

رقابت شرکتهای تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م)

عبدالله همتی گلیان^۱

چکیده

اروپاییان مدت‌ها تلاش می‌کردند در امور تجاری نواحی شرقی به طور مستقیم دخالت کنند؛ تا این‌که در سده شانزدهم میلادی، پرتغالی‌ها موفق شدند بین آسیا و اروپا نوعی تجارت انحصاری برقرار نمایند و منافع تجاری که پیش از آن نصیب مسلمانان می‌شد را از آن خود کنند. با این حال، سلطه پرتغالی‌ها بر حوزه تجاری شرق و منطقه خلیج فارس در سده هفدهم پایداری خویش را از دست داد و توسط هلندی‌ها و انگلیسی‌ها به چالش کشیده شد. در واقع به دنبال جریان اصلاح دین، پراکندگی قدرت و تنش سراسر اروپا را فراگرفت، پس از کاتولیک‌ها، قدرت‌های پروتستان همانند انگلستان و هلند نیز برای سیاست توجه به مناسبات تجاری میان اروپا با سایر نواحی جهان به ویژه شرق اهمیت خاصی قائل شدند. در نتیجه این دو قدرت در سده هفدهم در زمینه فعالیت‌های تجاری در شرق و ناحیه خلیج فارس بر پرتغالی‌های کاتولیک فائق آمدند. پس از آن شرکتهای تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس به رقابت پرداختند. چگونگی ورود شرکتهای هلندی و انگلیسی به شرق و خلیج فارس و استقرار آن‌ها در این منطقه، و نیز شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که این دو شرکت در حوزه فعالیت‌های تجاری با هم داشتند از مسائل عمده مطرح در این مقاله‌اند. در این پژوهش، به روش توصیفی-مقایسه‌ای رقابت‌های شرکتهای هند شرقی هلند و انگلیس مورد بررسی قرار گرفته و خاطر نشان شده که سرانجام چگونه در این میدان رقابت، انگلیسی‌ها پیشی گرفتند و هلندی‌ها حریف آن‌ها نشدند.

واژگان کلیدی

شرکت هند شرقی، هلند، انگلیس، تجارت، نواحی شرقی، خلیج فارس.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد hemati@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۵

مقدمه

با توجه به این که رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس بخشی از رویدادهایی بوده که از رهگذر آن‌ها اروپاییان بر مسلمانان فائق آمدند. بهتر آن است که به چشم‌انداز گسترده‌تر و زمینه تاریخی وسیع‌تر موضوع مورد بحث اشاره شود؛ زیرا برای تشریح پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌توان آن‌ها را از بستر تاریخی‌شان منقطع کرد. باید خاطرنشان شود جریان تسلط کشورهای اروپایی بر سرزمین‌های اسلامی، به طور متغیر و به مدت سه یا چهار قرن به وقوع پیوسته که بخشی از این جریان مربوط به فعالیت‌های تجاری آن‌ها در سرزمین‌های شرقی بوده است. در سده‌های میانه، برتری مسلمانان در زمینه‌های مختلف برای غرب مسیحی بسیار آزاردهنده بود که سرانجام برای رهایی از این وضعیت به واکنش نظامی دامنه‌داری، که از آن تعبیر به جنگ‌های صلیبی می‌شود، دست زد. به واسطه این جنگ‌ها بخش اعظم سواحل شرقی مدیترانه به مهاجرنشین‌های مسیحی تبدیل شد به طوری که تسهیلاتی فراهم آمد تا دولت‌شهرهای ایتالیایی از قبیل ونیز، جنوا و پیزا بتوانند در سرتاسر مدیترانه به فعالیت‌های تجاری بپردازند و در جست‌جوی تولیدات آسیایی باشند تا آن‌ها را در اروپای غربی به فروش برسانند. این دولت‌شهرها در زمینه تجاری با نوعی انحصار مواجه بودند که نمی‌توانستند آن را بشکنند. اگر آن‌ها فلز، جوز هندی، زنجبیل، دارچین، گل میخک، ابریشم، شکر و قهوه برای فروش می‌خواستند برای دریافت این کالاها باید بهای زیادی را به بازرگانان و واسطه‌های مسلمان می‌پرداختند. (Hunter, v. 1, pp. 29-30) از این‌رو، تجار و بازرگانان اروپایی زمانی طولانی بود که آرزو داشتند راهی را برای دسترسی مستقیم به کالاهای شرقی پیدا کنند تا دست واسطه‌های مسلمان را قطع نمایند و به سود فراوانی برسند، که سرانجام این آرزو در اواخر سده ۱۵ میلادی تحقق یافت.

در سده سیزده میلادی اروپاییان درصدد برآمدند تا برای برقرار کردن ارتباط مستقیم با شرق به‌گونه‌ای جهان اسلام را از طریق شمال، یعنی از مسیر ارمنستان، کریمه و قفقاز دور بزنند؛ ولی پس از توسعه قدرت ترکان عثمانی به ویژه در قرن پانزده میلادی، که به صورت تهدید جدی برای تجارت غربی‌ها در مدیترانه نمایان گشت، گرچه این طرح عملی نشد، باین‌حال آنان بدون ناامیدی به تلاش خویش

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/۱۷ م) ۱۳۵

دامنه دادند تا بدون واسطه به کالاهای شرقی دست یابند. (Ibid, v.۱, p.۱۷) برای مثال در سال ۱۴۸۲ پدرو دکوویلهم^۱ پرتغالی از راه مصر و دریای سرخ به هندوستان رسید، ولی چون در این مسیر ترکان عثمانی مشکلات زیادی به وجود آوردند، پس از آن پرتغالی‌ها توجه خود را به مسیر دریایی معطوف کردند. (قائم‌مقامی، ص ۴۵۷) سرانجام کاوش‌های پرتغالی‌ها، پس از سال‌ها حرکت در امتداد سواحل جنوبی آفریقا نتیجه داد. هانری پرتغالی معروف به هانری دریانورد سعی فراوانی کرد تا با دور زدن آفریقا و ورود به اقیانوس هند همه را غافل‌گیر کند، اما این بار تلمی دیاز پرتغالی بود که در سال ۱۴۸۸ میلادی خودش را به دماغه امید نیک رساند. آنگاه واسکودگاما پرتغالی در سال ۱۴۹۷ از طریق این دماغه راه هند و شرق را کشف کرد و در ۱۴۹۸ به کالیکوت در سواحل غربی هند رسید. (Miller, p.۱۰) بدین ترتیب، اروپاییان موفق شدند مسیر مستقیم به سوی شرق و هندوستان را پیدا کنند و از هزینه سنگین انتقال کالا از یک کشتی به دیگری و دادن باج و عوارض راه، و خطرهای احتمالی راه‌های خشکی و آبی که از ایتالیا تا مصر، عربستان و ایران می‌گذشت رهایی یابند. نتایج اقتصادی کشف این راه، به مدت حدود یک قرن برای اروپا مفیدتر از پیامدهایی بود که از دستیابی به قاره آمریکا عاید شده بود. (دورانست، ۶/۲۳۷) در هر حال، در سده پانزده میلادی با پیشروی‌های ترکان عثمانی در ناحیه مدیترانه و نیز واقعه کشف قاره آمریکا، اروپای غربی به طرف غرب و اقیانوس اطلس توسط اسپانیایی‌ها و به سمت شرق و اقیانوس هند به وسیله پرتغالی‌ها راه پیدا کرد، در پی این وقایع از انزوا و حاشیه‌ای زیستن خارج گردید و به تدریج به تمدنی مرکزی و برتر مبدل شد. باید یادآوری کرد در پی سقوط نظام فئودالی و نیز وقوع جریان اصلاح دین در اروپا، بی‌ثباتی این سرزمین را فراگرفت به طوری که هیچ دولتی به تنهایی در موقعیتی قرار نداشت که بتواند با اعمال قدرت فائقه ثبات و پایداری را برای مدتی طولانی در اروپا تأمین نماید. لذا این عدم توازن و ناستواری حکومت‌ها به بروز مناقشات و رقابت‌های دامنه‌داری انجامید که اوج این وضعیت در سده هفده بود؛ از این‌رو، موضوع بحث به این سده اختصاص یافته است. در این قرن همزمان چندین قدرت اروپایی بر سر نظام تجارت جهانی با یک‌دیگر طوری رقابت داشتند که

1. Pedro de Covilham.

پیامد آن تشدید تنش و بی‌نظمی در اروپا بود. با توجه به وجود ساختار چندقطبی در اروپای سده هفدهم، سیاست قدرت‌ها این بود که در تنظیم روابط تجاری با شرق بیش‌تر دخالت کنند، چیزی که به مناقشات بی‌پایان بین آن‌ها انجامید. در این دوره کشورهای نظیر هلند و انگلستان برای مبادلات تجاری و فروش کالاهای شرقی بیش‌ترین رقابت را با هم داشتند. در این ایام اروپا علاوه بر دارا بودن ساختار چندقطبی، ویژگی دیگری به نام الحاق نیز داشت که منظور از آن گسترش مرزهای حوزه تجارت و اقتصاد از اروپا به سمت بخش‌های دیگر جهان بوده است.

در مورد ادبیات و پیشینه این موضوع، باید گفت که به زبان فارسی آثار متعددی چه به صورت کتاب یا مقاله چاپ شده که به عنوان مثال می‌توان از کتاب *خلیج فارس* نوشته سرآرنولد ویلسن که توسط محمد سعیدی به فارسی برگردانده شده، و نیز از مقاله «موقعیت ویژه اقتصادی - تجاری جزیره کیش در تاریخ» از بیژن اسدی که در کتاب *مجموعه مقالات خلیج فارس فرهنگ و تمدن* چاپ شده، یاد کرد. اما شاید اثر مهم در این زمینه کتاب *منافع بریتانیا در خلیج فارس* اثر عبدالامیر امین، محقق عرب، باشد که وی سال‌ها درباره حضور انگلیسی‌ها در خلیج فارس پژوهش کرده و نیز در این باره به مقاله «تاریخچه فعالیت‌های تجاری کمپانی هند شرقی هلند در جزیره خارک» از ویلم فلور، پژوهشگر هلندی، که در مورد فعالیت‌های هلندی‌ها در خلیج فارس به تحقیق پرداخته، اشاره کرد. در هر حال، با وجود آثار زیادی که در این زمینه نوشته شده، ولی در آن‌ها عمدتاً فعالیت‌های تجاری هر کدام از دو کشور هلند و انگلیس در خلیج فارس به طور جداگانه بررسی شده و درباره رقابت این دو کشور و مقایسه امور تجاریشان در ناحیه، و نیز بیان مشابهت‌ها و تمایزاتشان مطالب شایان توجهی به چشم نمی‌خورد. در این مقاله، سعی شده تا از طریق مقایسه کردن به تفاوت‌ها و شباهت‌های شرکت‌های تجاری انگلیس و هلند در خلیج فارس پرداخته شود. در واقع پس از بررسی نوشته‌های موجود در این زمینه، از آن‌ها طوری استفاده شده که جستاری جدید و غیرتکراری ارائه گردد. راجع به اهمیت موضوع، همین بس که اشاره شود اگر این رقابت‌ها را در چارچوب یک سامانه نوعی ورودی در نظر بگیریم، می‌شود گفت خروجی آن تسلط سیاسی و اقتصادی انگلیس در ناحیه خلیج فارس بوده که هنوز منطقه از تأثیرات آن رهایی نیافته است. همچنین

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/۱۷ م) ۱۳۷

این فعالیت‌های تجاری اروپا در شرق، توسط برخی مرحله نخست استعمار و گسترش اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری تلقی شده، و سرآغاز نوعی وابستگی شرق به غرب نیز از همین زمان بوده که از این جهت نیز قابل توجه است.

خلیج فارس مطمح نظر غربی‌ها

خلیج فارس از گذشته‌های دور به مثابه پلی بین آسیا و اروپا و به عنوان آب راه تجاری شرق و غرب مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. ساکنان نواحی حاشیه خلیج فارس از این آب راه با یکدیگر و نیز با سایر اقوام و ملت‌ها دادوستد تجاری داشتند، به ویژه آن‌که بعضی از جزایر و بنادر آن مانند سیراف، بصره، کیش، قشم و هرمز از مراکز عمده تجاری منطقه بودند و هر کدام در زمینه تجارت سابقه‌ای از شکوفایی و رونق داشتند. با عنایت به چنین موقعیت و پیشینه‌ای بود که غربی‌ها به خصوص پس از رنسانس به این ناحیه روی آوردند. در این ایام، آن‌ها برای انبساط و گسترش تجارت اهتمام ویژه‌ای داشتند، و تا مدت‌ها شرق نیز بیش‌تر به خاطر ادویه‌اش مورد توجه آنان بود. چون که اروپاییان به وسیله ادویه‌هایی مثل فلفل، زنجبیل، دارچین، زیره، زعفران و غیره گوشت و برخی چیزهای دیگر را برای مدتی طولانی از فساد مصون نگه می‌داشتند. هم‌چنین با ادویه طعم و مزه غذاها را تغییر می‌دادند. علاوه بر این، از آن‌ها به عنوان مواد اولیه بسیاری از داروها در کارگاه‌های داروسازی استفاده می‌کردند. از این‌رو، ادویه در میان اروپاییان اهمیت خاصی داشت. برای آنان هیچ هدیه‌ای مهم‌تر و ارزنده‌تر از ادویه نبود، میزان موجودی ادویه اشخاص شأن، شوکت و اعتبار آن‌ها را مشخص می‌کرد، ثروت اغنیا نیز بر اساس موجودی ادویه آنان محاسبه می‌شده است. (گاردنر، ص ۲۴؛ Miller, p. ۱۰) چون خلیج فارس یکی از مسیرهای اصلی انتقال ادویه به اروپا بود، این منطقه مورد توجه غربی‌ها قرار گرفت. در گذشته کالاهای پرارزشی مانند ابریشم، مروارید و سنگ‌های گران‌بها که از مناطق مختلف آسیا به اروپا حمل می‌شد در غرب چین مشهور شده بود که این کالاها از سرزمینی به نام هند به دست می‌آید. این‌گونه اجناس از دو راه تجاری متداول آن روز حمل می‌شد: یکی راه زمینی معروف به جاده ابریشم و دیگری مسیر دریایی که به راه ادویه معروف بود. در آن زمان که مسأله‌ای به نام نفت و انرژی در

جهان مطرح نبوده، عمدتاً راه‌ها و مناسبات بازرگانی دارای اهمیت بوده و خلیج فارس نیز به سبب برخورداری از موقعیت ویژه تجاری چنان اهمیتی داشته که آلبوکرک پرتغالی گفته در سمت هند سه نقطه تجاری کلیدی وجود دارد: مالاکا در انتهای تنگه سنگاپور، عدن واقع در مدخل تنگه دریای سرخ و هرمز در تنگه خلیج فارس، ولی هرمز از همه مهم‌تر است. اگر پادشاه پرتغال این سه نقطه را در دست داشته باشد می‌تواند ادعا کند که صاحب همه جهان است. (ویلسن، ص ۷۹ و ۱۷۵) در هر حال پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها دریافته بودند برای کشوری که بخواهد در اقیانوس هند تجارت خود را بسط دهد، تسلط بر خلیج فارس اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، بدین منظور آن‌ها به ویژه هلندی‌ها و انگلیسی‌ها برای مدتی طولانی در منطقه با هم‌دیگر به کشمکش و رقابت پرداختند.

مدتها بود که پرتغالی‌های کاتولیک بی‌وقفه در اندیشه در اختیار گرفتن راه‌های تجاری شرق بودند، از جمله در سال‌های نخست قرن شانزده میلادی، آلبوکرک در خلیج فارس و اقیانوس هند به شناسایی مناطق مهم پرداخت تا پرتغالی‌ها آن‌ها را تصاحب کنند. این نواحی کلیدی عبارت از بندرگوا، مالاکا و هرمز بودند که در سال‌های ۱۵۰۸ تا ۱۵۱۱ بر آن‌ها استیلا یافتند. (Hunter, v.۱, pp. ۱۲۶-۱۲۸) بدین‌سان، پرتغالی‌ها نخستین اروپاییانی بودند که به‌طور مستقیم و بدون واسطه مسلمانان بر تجارت پرسود کالاهای شرقی دست یافتند و تقریباً دست بازرگانان مسلمان را از این کالاهای کوتاه نمودند و در نیمه نخست سده شانزدهم میلادی سلطه خویش را بر خلیج فارس و اقیانوس هند اعمال کردند. این نفوذ به واسطه دوناوگان عمده آن‌ها انجام می‌گرفت: یکی هرمز و گذرگاه دریای سرخ را در اختیار داشت و دیگری در امتداد سواحل هند به گشت زنی می‌پرداخت. باید یادآوری شود قبل از تسلط پرتغالی‌ها بر هرمز، آنجا مرکز حاکم لاریبود. (تاورنیه، ص ۶۸۱) و در میان کالاهای صادراتی و وارداتی منطقه نیز سه مورد اهمیت ویژه‌ای داشتند: مروارید خلیج فارس، ابریشم چین و ایران، و ادویه هند. مرکز ثقل تجاری هم‌گاهی در مغرب خلیج فارس، زمانی در شمال و مدتی نیز در شرق آن بود. (اسدی، ص ۵۷)

پرتغالی‌ها علاوه بر دستیابی به فرصت‌های تجاری در شرق، برای فعالیت‌های تبشیری در این منطقه نیز اهمیت خاص قائل بودند. مدت‌ها بود که افسانه اعتقاد

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) ۱۳۹

به ظهور یک منجی مسیحی در شرق، با نام پرسترجان در میان مسیحیان غربی قوت یافته بود. این قضیه انگیزه مذهبی پرتغالی‌ها را دوچندان کرد، زیرا آن‌ها معتقد بودند که یک حکومت مسیحی قدرتمند در مشرق زمین وجود دارد که اگر با آن متحد شوند می‌توانند بر ترکان عثمانی و مسلمانان فائق آیند. آلبوکرک که کاتولیک متعصبی بود به سبب پیشرفت‌های ترکان عثمانی در نواحی مسیحی با مسلمانان به شدت دشمنی می‌ورزید. وی با تصرف هرمز به زعم خویش می‌خواست تا رسالت دینی خود را که همان کمک به ظهور پرسترجان بوده، به طور مطلوب بتواند به انجام برساند. (Hunter.v.۱,p.۷۸)

گرچه قرن شانزده میلادی دوره سلطه بی‌چون‌وچرای پرتغالی‌های کاتولیک در آب‌های مناطق شرقی بود، ولی سرانجام توسط قدرت‌های پروتستان یعنی هلند و انگلستان به مبارزه طلبیده شد. البته زمینه چنین چالشی را خود پرتغالی‌ها پدید آورده بودند، چون آن‌ها بیش از آن‌که از استعداد و لیاقت برای امور تجاری برخوردار باشند به لحاظ دینی تعصب‌آمیز و افراطی عمل می‌کردند. برای مثال آنان به جای همکاری و رفتار مسالمت‌آمیز با ایرانیان، درصدد برمی‌آمدند آیین آن‌ها را تحقیر نمایند و به فعالیت‌های تجاریشان آسیب وارد کنند. از جمله آنان را مجبور می‌کردند که کالاهای خود را از تجارتخانه‌های پرتغالی‌ها بخرند، یا درزمینه حمل‌ونقل از کشتی‌های آن‌ها استفاده کنند. اجرای این سیاست‌ها بود که حاکمان ایران از پرتغالی‌ها ناراضی شدند و برای از بین بردن سلطه پرتغالی‌ها در خلیج فارس، از حضور سایر غربی‌ها از قبیل شرکت‌های هند شرقی انگلیس و هلند استقبال کردند. (ویلسن، ص ۱۴۵-۱۴۴) انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بعد از پایان دادن به برتری سلطه پرتغالی‌ها در خلیج فارس، خودشان با یکدیگر به رقابت پرداختند که سرانجام این کشمکش‌ها با تفوق نفوذ انگلیسی‌ها بر منطقه خاتمه یافت. بد نیست یادآوری شود که آیین پروتستان در حدود نیمه سده شانزده از طریق آلمان، ژنو و فرانسه به هلند راه یافت و پس از چندی در این سرزمین گسترش چشم‌گیری یافت. در انگلستان نیز به دنبال کشمکش‌های طولانی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها سرانجام از نیمه دوم سده مزبور پروتستان‌ها به برتری دست یافتند. (دوران، ۶-۶۸۴-۶۸۳ و ۷۴۵-۷۴۳) پروتستان‌یسم علاوه بر بزرگداشت کار و فعالیت،

برای دارایی و ثروت نیز احترام قائل بود. همچنین باین حال نظریه که دولت و روحانیان باید در امور تجاری دخالت کنند سخت مخالف بود، از این رو مورد استقبال طبقه بازرگانان قرار گرفت. (ویر، ص ۲۴ و ۸۸)

راه‌یابی شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس به نواحی شرقی و خلیج فارس

در عصر رنسانس و پیش از انقلاب صنعتی، برای اروپاییان امور تجاری و راه‌های بازرگانی موضوعات خیلی مهمی بودند به طوری که به درگیری‌ها و سیاست‌های بسیاری از حکومت‌ها شکل می‌دادند. تا مدت‌ها اسپانیا و پرتغال، دو کشور کاتولیک جنوب غربی اروپا، اهتمام می‌ورزیدند که مسیرهای جدیدی به سوی شرق کشف نمایند تا به طور مستقیم و بدون واسطه مسلمانان بتوانند با مناطق شرقی رابطه تجاری برقرار کنند که سرانجام پرتغالی‌ها به آن دست یافتند. آنگاه هلند و انگلیس، قدرت‌های پروتستان شمال غربی اروپا، درصدد کسب چنین موقعیتی برآمدند.

برای مدتی انگلیسی‌ها و هلندی‌ها از قدرت اسپانیا و به‌ویژه اقدامات فیلیپ دوم، حاکم مقتدر این کشور، در اضطراب و نگرانی به سر می‌بردند. در سده شانزدهم میلادی خاصه نیمه دوم آن، اسپانیا قدرت برتر اروپا بود. در این زمان انگلیس نیز رقیب قدرت‌مندی برای اسپانیا به شمار نمی‌آمد، اما از هنگامی که در سال ۱۵۸۸ اسپانیا در حمله دریایی به انگلستان به سبب طوفان شدید، به سختی شکست خورد، انگلیسی‌ها به شهرت رسیدند. مهم‌تر آن با مرگ فیلیپ دوم در سال ۱۵۹۸ قدرت نمایی‌های اسپانیا نیز کاهش یافت، در نتیجه سایر کشورهای اروپایی از قبیل انگلیس و هلند که اکنون در زمینه گسترش فعالیت‌های بازرگانی، با محدودیت‌های ناشی از تهدیدات اسپانیا مواجه نبودند، وارد میدان تجارت فراناحیه‌ای شدند و مناطق شرقی برای آن‌ها بسیار بااهمیت‌تر از سایر نقاط جهان جلوه می‌نمود. (Hunter, vol. ۱, p. ۲۲۵); گاردنر، ص ۲۷)

هلندی‌ها از دیرباز در زمینه فعالیت‌های تجاری شهرت داشتند. آن‌ها دارای این استعداد بودند که وارد عرصه رقابت تجارت شرقی شوند، چون این سرزمین کشتی‌سازان ماهر و ملوانان جسوری داشت. همچنین هلندی‌ها در آب‌ها دارای ناوگان تجاری بزرگی بودند که بر بسیاری از تجارت دریایی در طول سواحل اروپا از اسپانیا در

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/۱۷ م) ۱۴۱

جنوب گرفته تا دریای بالتیک در شمال نظارت داشتند. قدرت دریایی هلند تاحدودی نیز به کمبود قطعه زمین بسیار وسیع مربوط می‌شد. با توجه به این کمبود اگر در سایر کشورها مردم بخشی از منابع مالی را در املاک بزرگ سرمایه‌گذاری می‌کردند، هلندی‌ها عمدتاً پس‌انداز خویش را در کشتی‌رانی و فعالیت‌های تجارت دریایی به کار می‌انداختند. (Miller.p.۱۴) بازرگانان هلندی از اواخر سده پانزدهم میلادی ادویه شرق و محصولات غیربومی را از سواحل پرتغال وارد هلند می‌کردند. آنان تا مدت‌ها محصولات شرقی را از پرتغالی‌ها می‌خریدند و آن‌ها را در سراسر اروپای غربی می‌فروختند. پس از آن که در سال ۱۵۸۰ میلادی پرتغال ضمیمه اسپانیا گردید، بازرگانان هلندی نمی‌توانستند با سهولت در سواحل پرتغال به ادویه آسیا دست پیدا کنند. این موضوع علاقه آن‌ها را به انتقال مستقیم این ادویه از شرق افزایش داد. از قبل برخی از هلندی‌ها توسط بازرگانان پرتغالی استخدام شده و با آن‌ها از طریق دماغه امیدینیک به مناطق شرقی رفته بودند، اینان که از مسیر جدید ارتباط با آسیا اطلاع داشتند آماده بودند تا به بازرگانان هلندی برای رسیدن به شرق کمک کنند. (ریکلفس، ص ۳۸-۳۷؛ گاردنر، ص ۲۵-۲۴) یکی از هلندی‌هایی که به همراه پرتغالی‌ها به شرق سفر کرده بود لین اسکوتن^۱ نام داشت. وی که جغرافی‌دان بود در اواخر دهه ۱۵۹۰ دو اثر، که حاصل تجربیات سفرش بود، منتشر کرد: یکی درباره جهت‌های کشتی‌رانی در آب‌های شرقی بود و دیگری گزارش‌های روزانه او را در برداشت که حاوی فهرست کاملی از متصرفات پرتغالی‌ها در شرق بود. وی نشان داده بود ادعای پرتغالی‌ها مبنی بر این که فاتح شرق و صاحب کشتی‌رانی و تجارت در اقیانوس هند، عربستان و ایران هستند با واقعیت فاصله زیادی دارد، آن‌ها در این نواحی با مجوز حاکمان محلی فقط به برپایی ایستگاه‌های تجاری اقدام کرده‌اند. نوشته‌های این جغرافی‌دان هلندی به سرعت به زبان‌های لاتینی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی ترجمه شد. آن‌ها برای اغلب بازرگانان اروپایی چنان جالب بودند که ترغیب می‌شدند تا برای تجارت به شرق سفر کنند. (Miller.p.۱۵)

باید یادآوری شود که سرزمین هلند از حدود نیمه قرن شانزدهم میلادی تحت سلطه اسپانیا درآمده بود، هنگامی که در سال ۱۵۸۸ قوای دریایی اسپانیا در عملیاتی

1. Jan Huyghen Van Linschoten.

بر ضد انگلستان متحمل شکست سختی شد، هلندی‌ها جسارت خاصی یافتند و نیروهای اسپانیایی را از سرزمین‌شان بیرون راندند. (گاردنر، ص ۲۵) پس از چندی در ماه مارس سال ۱۵۹۴ نه بازرگان هلندی در صدد برآمدند شرکت سرزمین‌های دوردست را در آمستردام تأسیس کنند تا بتوانند به منظور دسترسی مستقیم به کالاها و ادویه شرق تجهیزات و منابع مالی سفر دریایی را تأمین نمایند. آن‌گاه در بهار سال ۱۵۹۵ ناوگانی متشکل از چهار کشتی به فرماندهی فردی به نام کورنلس هوتمن،^۱ که بازرگان و هم دریانورد بود، آمستردام را به سوی هند شرقی ترک کرد. هلندی‌ها برای این سفر همانند پرتغالی‌ها مسیر دماغه مزبور را برگزیدند تا آن‌که پس از حدود ۱۵ ماه بحریمایی در سال ۱۵۹۶ به بنتام، بندری واقع در ساحل شمال غرب جاوه، رسیدند. (Miller.p.۱۵)

بدین ترتیب، هلندی‌ها برای مقابله با تهدیدات و رونق بخشیدن به تجارت فرناحیه‌ای و مناطق دور دست ناگزیر شدند که شرکت بزرگی دایر کنند. در ابتدا هر کدام از استان‌های هلند به منظور تجارت در آسیا یک شرکت بازرگانی تأسیس کردند. این شرکت‌ها در مناطق شرقی برای خرید کالا با هم به رقابت می‌پرداختند که این قضیه سبب می‌شد تا در نواحی تولیدی بهای محصولات افزایش یابد؛ از این‌رو، مجلس هلند در سال ۱۵۹۸ پیشنهاد کرد که شرکت‌های تجاری استان‌ها با هم دیگر ادغام شوند، پس از چهار سال این پیشنهاد عملی شد و مجموعه بسیار بزرگی به نام شرکت هند شرقی هلند پدید آمد. (ریکلفس، ص ۳۹؛ ۲۳۸-۲۳۷، pp. ۱، Hunter.vol.) از سوی مجلس هلند به این شرکت امتیازاتی داده شد، از جمله این‌که در سراسر آسیا می‌توانست از طریق سوگند وفاداری سرباز استخدام کند، جنگ به راه اندازد، استحکامات بسازد و قرارداد منعقد نماید. این شرکت پس از مدت‌ها فعالیت در نواحی آسیای جنوب شرقی، در سال ۱۶۲۳ به خلیج فارس راه یافت و از همین زمان فعالیت خود را در این منطقه آغاز کرد. (فلور، ص ۶۵؛ ریکلفس، ص ۳۹)

همان‌گونه که پرتغالی‌ها و هلندی‌ها به منظور راه‌یابی به شرق با عبور از دماغه امیدنیک از سمت جنوب امپراتوری عثمانی را دور زده بودند، انگلیسی‌ها سعی کردند تا از جهت شمال این امپراتوری را دور بزنند و از طریق روسیه خودشان را به

1. Cornelis Houtman.

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) ۱۴۳

شرق برسانند که سرانجام آتونی جنکینسون به همراه هیأتی از همین مسیر به ایران آمد. او با عبور از دریای خزر در سال ۱۵۶۲ میلادی در قزوین به حضور شاه طهماسب صفوی رسید و نامه الیزابت اول، ملکه انگلستان، را به شاه ایران تقدیم کرد که در آن بر آزادی رفت و آمد بازرگانان انگلیسی در قلمرو ایران تأکید شده بود. (سیوری، ص ۱۰۸-۱۰۷) می‌توان گفت که ارسال این گونه نامه‌ها ناشی از دیپلماسی فعال انگلیس در دوره حکومت الیزابت اول (حک ۱۶۰۳-۱۵۵۸) بوده است. ملکه انگلیس در سال ۱۵۷۷ فرستاده‌ای را به مغرب (مراکش) فرستاد تا به منظور فراهم شدن تسهیلات در سواحل مراکش برای بازرگانان انگلیسی، با حاکم آن‌جا گفت‌گو کند که نتیجه‌اش دست‌یابی انگلیسی‌ها به پایگاهی در آن ناحیه بود. همچنین در ۱۵۷۹ شخصی روانه قسطنطنیه (استانبول)، مرکز امپراتوری عثمانی کرد تا از ترکان عثمانی اجازه بگیرد که بازرگانان انگلیسی بتوانند آزادانه در لوانت^۱ (نواحی شرقی مدیترانه) به تجارت بپردازند. بدین‌سان انگلیسی‌ها از مسیر مدیترانه نیز وارد آسیا شدند. (Hunter, vol. ۱, p. ۲۲۴)

باید اشاره شود که به دنبال فروکش کردن تهدیدات اسپانیا، ملکه انگلیس در فرمانی چنین خاطر نشان کرد:

به آنانی که در امور بازرگانی آگاهند این اجازه داده می‌شود تا بتوانند با سرمایه خود به سرزمین‌های دور دست بروند و نسبت به اعتلای سرزمین انگلستان و توسعه دریانوردی و تجارت کوشش نمایند. در پی این فرمان بازرگانان انگلیسی برای تجارت با شرق شرکتی به نام شرکت بازرگانی لوانت دایر کردند. (Hunter, vol. ۱, pp. ۲۲۵, ۲۲۹)

این شرکت کالاهای شرقی را از واسطه‌های مسلمان سرزمین‌های شرق مدیترانه هم‌چون شام و فلسطین خریداری می‌کرد و به انگلستان می‌برد، اما هلندی‌ها که زودتر به سرزمین‌های شرقی رسیده بودند این کالاها را مستقیم و بدون واسطه و با قیمتی مناسب‌تر به بازار اروپا عرضه می‌کردند؛ از این‌رو، شرکت بازرگانی لوانت نتوانست با هلندی‌ها رقابت کند و در معرض ورشکستگی قرار گرفت. برای جلوگیری از آن، سهام‌داران شرکت درصدد برآمدند تا کالاهای شرقی را همانند هلندی‌ها و

۱. لوانت (Levant) نامی عمومی است که برای اشاره به کشورهای سواحل شرقی مدیترانه به کار می‌رود و برگرفته از واژه فرانسوی Lever بوده که به معنای محل طلوع خورشید است. (Encyclopaedia Britannica, vol. ۱۳, p. ۹۹۹۰)

پرتغالی‌ها بدون واسطه وارد کنند. بدین‌منظور بازرگانان انگلیسی فکر تأسیس شرکت بازرگانی انحصاری را به اطلاع الیزابت اول رساندند و از وی درخواست کردند تا فرمان چنین شرکتی را به نام آنان صادر کند. ملکه در ۱۶ اکتبر ۱۵۹۹ عده‌ای از بازرگانان را که علاقمند به داشتن ارتباط تجاری مستقیم با سرزمین‌های دور دست شرق بودند به حضور پذیرفت، و با درخواست آن‌ها موافقت کرد. به دنبال آن، موجودیت شرکت هندشرقی انگلیس اعلام شد. (گاردنر، ص ۲۶-۲۵) در آغاز فعالیت این شرکت چالش عمده بر سر راه آن، تجارت پرتغال و اسپانیا در شرق بود. انگلیسی‌ها می‌خواستند حق تجارت کردن در شرق را از طریق گفت‌گو با اسپانیا اثبات کنند، اما این کشور کاتولیک با استناد به فرمان پاپ، که در سال ۱۴۹۳ صادر شده بود، خاطرنشان می‌کرد چون در آن پاپ جهان غیر اروپایی را بین اسپانیا و پرتغال تقسیم کرده، پس سایر کشورها در نواحی شرقی حق تجارت ندارند. با این حال، انگلیسی‌ها در سال ۱۶۰۱ با چهار کشتی که حامل کالاهایی از قبیل قلع، سرب، آهن و پارچه‌های پشمی بودند، روانه هند شرقی شدند. (Miller, pp. ۱۶-۱۷)

به سبب نهضت اصلاح دین، اروپاییان گرفتار اختلافات شدیدی شده بودند. از جمله پرتغال و اسپانیا به عنوان حکومت‌های طرفدار کاتولیک در سال ۱۵۸۰ به هم پیوستند، در مقابل هلند و انگلیس به عنوان دو قدرت پروتستان در اروپا علیه اسپانیا و پرتغال با یکدیگر همکاری می‌کردند. پس از آن که کشتی‌های هندشرقی انگلیس در ۱۶۰۲ به هند رسیدند در این ناحیه به همراه ناوگان شرکت هندشرقی هلند بر ضد پرتغالی‌ها وارد عمل شدند به طوری که برتری دریایی پرتغال در سواحل هند در ۱۶۱۲ و ۱۶۱۵ از بین رفت. دیری نپایید که توسط آن‌ها دامنه مبارزه با پرتغالی‌ها به بخش غربی اقیانوس هند، یعنی به هرمز و خلیج فارس نیز کشانده شد و در این منطقه هم آن‌ها تا سال ۱۶۲۲ تفوق خویش را از دست دادند. باید افزود مردم نواحی شرقی نیز از رفتار پرتغالی‌ها به شدت ناراضی بودند، چون که آنان به منظور رواج مسیحیت به دین مردم بومی توهین می‌کردند، ولی هلندی‌ها و انگلیسی‌ها مانند پرتغالی‌ها در شرق به تبلیغ مسیحیت چندان توجهی نداشتند و در پی یافتن مکان‌های مقدس مسیحی نبودند و درصدد این که حاکمان شرقی را به مسیحیت دعوت کنند بر نمی‌آمدند، بلکه عمدتاً به تجارت و منافع آن می‌اندیشیدند.

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) ۱۴۵

(Hunter, vol. ۱, pp. ۳۳۰-۳۳۳, ۳۴۲)

در سده هفدهم میلادی رقابت کشورهای اروپایی در زمینه بازرگانی، خاصه فروش کالاهای شرقی شدت یافت. شرکت هندشرقی انگلیس در اوایل همین قرن بود که در خلیج فارس حضور پیدا کرد. گفته شده چون بازار هند نمی‌توانسته ماهوت‌های این شرکت را جذب کند، انگلیسی‌ها در جستجوی بازارهای جدیدی برآمدند تا این که برای فروش آن‌ها بازار ایران را به دلیل این که مردم آن حدود نیمی از سال به لباس گرم نیاز داشتند، مناسب یافتند. به منظور کسب امتیازات تجاری از سوی شرکت مزبور در سال ۱۶۱۰ هیأتی به نزد شاه عباس اول فرستاده شد، در پی آن شاه ایران به انگلیسی‌ها اجازه بازرگانی داد و آنان ابتدا وارد بندر جاسک شدند. (امین، ص ۱۵-۱۴) نخستین کشتی شرکت هند شرقی انگلیس، که توسط بازرگانی به نام ادوارد کنوک^۱ هدایت می‌شد، در دسامبر ۱۶۱۶ در بندر مزبور لنگر انداخت. کنوک در ملاقاتی که با شاه عباس اول داشت، از پیشرفت‌های تجاری انگلیس سخن گفت. شاه ایران که هم از عملکرد پرتغالی‌ها در خلیج فارس ناخشنود بود و هم از این که تجارت ابریشم بیش‌تر در قلمرو عثمانی انجام می‌گرفت اظهار نگرانی می‌کرد، به انگلیسی‌ها اجازه داد که در ایران تجارت کنند. (Miller, p. ۴۶) در پی آن فیلیپ سوم، پادشاه اسپانیا، دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا^۲ را در سال ۱۶۱۸ به ایران فرستاد. مأموریت او این بود که از شاه عباس درخواست کند که به هیچ‌وجه به انگلیسی‌ها و سایر خارجی‌ها در ایران اجازه تجارت ندهد و دیگر این که بحرین، بندرعباس و قشم را که از حاکم هرمز و پرتغالی‌ها گرفته به آن‌ها بازگرداند، ولی پاسخ شاه ایران به سفیر اسپانیا منفی بود. (دن گارسیا، ص ۳۶۸) در هر حال انگلیسی‌ها به خلیج فارس آمدند و با ورودشان پرتغالی‌ها به مخالفت با آن‌ها پرداختند که نتیجه‌اش پایان یافتن تفوق پرتغالی‌ها در منطقه بود.

رقابت انگلیس و هلند در خلیج فارس و دفع پرتغال

پرتغالی‌ها تا حدود سال ۱۶۰۰ بر بنادر عمده هر دو طرف خلیج فارس یعنی

1. Edward Connock.

2. D. Garcia de Silva Figuera.

بر مسقط، هرمز، قشم، بحرین و بصره استیلا یافتند و امور این نواحی را در دست گرفتند. آن‌ها برای آن که بر رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس نظارت داشته باشند قلعه استواری در جزیره هرمز، واقع در دهانه این خلیج، بنا کردند تا از آن‌جا به ویژه کشتی‌هایی که بارشان ابریشم ایران بود کنترل نمایند. با این حال، راه زمینی انتقال ابریشم به اروپا، که از آسیای صغیر و قلمرو امپراتوری عثمانی می‌گذشت، از دست‌رسان خارج بود. (Miller, p. ۴۶) هم‌چنین پرتغالی‌ها به منظور آن که تجارت در خلیج فارس را در انحصار داشته باشند، کشتی‌هایی که قصد عبور از آب‌های منطقه را داشتند وادار می‌کردند که از آن‌ها جواز بگیرند. با توجه به این شرایط، هنگامی که نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس وارد خلیج فارس شدند، درصدد برداشتن سلطه پرتغالی‌ها برآمدند تا محدودیت زیادی برای فعالیت‌هایشان وجود نداشته باشد. در اوایل سده هفدهم با توجه به دست‌اندازی‌ها، خودخواهی‌ها و رفتار تنفرآمیزی که پرتغالی‌ها داشتند، صفویان ایران را به خشم آورده بودند و اهالی سواحل خلیج فارس نسبت به آن‌ها اظهار انزجار می‌کردند به طوری که تصمیم گرفتند از فروختن آذوقه به آن‌ها خودداری کنند. (ویلسن، ص ۱۶۰) پرتغالی‌ها در چنین وضعیتی بودند که در سال ۱۶۲۱ در قشم مورد حمله قوای ایرانی قرار گرفتند. ایرانی‌ها که امیدوار بودند آن‌ها را از قشم و هرمز اخراج کنند موفق به انجام این کار نشدند، از این‌رو از انگلیسی‌ها، که اخیراً در بندر جاسک استقرار یافته بودند درخواست مساعدت کردند. (Miller, pp. ۴۹-۵۰) انگلیسی‌ها ابتدا مردد بودند که به ایرانی‌ها کمک کنند، اما سرانجام به وسیله قراردادی که با شاه ایران منعقد کردند از مرکز نمایندگی شرکت هند شرقی انگلیس در سورات (بندری در ساحل غربی هند) برای دفع پرتغالی‌ها از خلیج فارس ناوگانی جنگی به منطقه فرستادند. (Hunter, vol. ۲, p. ۵) تاورنیه که در سده هفدهم به ایران سفر کرده، می‌نویسد:

بر اساس قرارداد مزبور مقرر شد که انگلیسی‌ها از دریا و قوای ایرانی از طرف خشکی به استحکامات پرتغالی‌ها در هرمز حمله کنند، دیگر این که پس از پیروزی درآمدهای گمرکی بین طرفین به طور مساوی تقسیم گردد و کالاهای انگلیسی نیز از همه حقوق گمرکی معاف شوند، هم‌چنین اسرای مسلمان به دولت ایران و اسیران مسیحی به شرکت هند شرقی انگلیس تحویل داده شوند،

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) ۱۴۷

طرفین باید متعهد شوند که آن‌ها را وادار به تغییر دین نکنند. افزون بر این‌ها، ایرانی‌ها باید نصف هزینه عملیات جنگی اعم از خواربار و مهمات نظامی را بپردازند، غنائم جنگی نیز به طور مساوی بین طرفین تقسیم شوند. (تاورنیه، ص ۶۸۵)

در پی این توافق، سپاهیان ایران به فرماندهی امامقلی خان، حاکم فارس، از خشکی و نیروهای انگلیسی از طریق دریا هرمز را محاصره کردند و پس از چندی پرتغالی‌ها تسلیم شدند و در فوریه ۱۶۲۲ هرمز به تصرف قوای ایرانی و شرکت هندشرقی انگلیس درآمد. (Hunter, vol. ۲, p. ۵۶; ویلسن، ص ۱۶۸) در این میان محمود شاه، حاکم محلی هرمز، نیز به دستور امامقلی خان به شیراز فرستاده شد. (قائم مقامی، ص ۵۹۶) در این زمان چون ابریشم ایران یکی از محصولات مهم تجاری این کشور به شمار می‌رفت، هلند نیز علاقمند به داشتن روابط تجاری با ایران شد و با توجه به این‌که بزرگ‌ترین منبع درآمد نقدی شاه عباس اول فروش ابریشم بود، او از این روابط استقبال کرد. (فلسفی، ۱۹۵۷/۵؛ شوستر-والسر، ص ۱۰۶) بدین‌منظور در سال ۱۶۲۳ ناوگان شرکت هندشرقی هلند نیز وارد خلیج فارس شد که پرتغالی‌ها با قوای هلندی هم درگیر شدند، اما هلندی‌ها با فائق آمدن بر آن‌ها، پیروزی قبلی انگلیسی‌ها را تکمیل کردند. (Berkey, p. ۱۱۷) در همین سال شرکت هلندی فعالیت تجاری خود را در خلیج فارس آغاز کرد، این کار پس از انعقاد معاهده تجاری با شاه عباس اول صورت گرفت که بر اساس آن هلندی‌ها اجازه یافتند به منظور وارد کردن فلفل، جوزهندی، میخک و سایر ادویه در بندرعباس مرکز تجاری تأسیس کنند. (سیوری، ص ۱۱۵؛ فلور، تاریخچه...، ص ۶۵؛ مهدوی، ص ۱۰۰) علاوه بر این از پرداخت عوارض گمرکی نیز معاف باشند و در ازای برخورداری از آزادی تجاری در ایران، مبلغی بابت راهداری نیز بپردازند و ابریشم را گران‌تر از نرخ معمول بازار از شاه ایران بخرند. (فلور، اختلاف تجاری ایران و هلند...، ص ۱۶) بدین‌سان، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها در بندرعباس، جایی که به هلندی گامرون (Gamron) و به انگلیسی گمبرون (Gombroon) خوانده می‌شد، موقعیتشان را تثبیت کردند. از این پس در ناحیه خلیج فارس انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بر سر تجارت با هم‌دیگر وارد عرصه رقابت شدند. (امین، ص ۱۹-۱۸)

بدین ترتیب شرکت‌های هند شرقی هلند و انگلیس در ابتدا پی بردند که بندرعباس جای مناسبی برای فعالیت‌های تجاری است، زیرا از آنجا می‌توانستند با سهولت با مرکز ایران رابطه برقرار کنند و کالاهای خود را به آسانی به داخل این کشور حمل نمایند. افزون بر بندرعباس این دو شرکت از جاسک در شرق خلیج فارس گرفته تا بصره در غرب آن، دامنه رقابت خود را گسترش دادند. تا حدود نیمه سده هفدهم انگلیسی‌ها نتوانستند از رقیبشان پیشی بگیرند که از سویی بخش عمده آن ناشی از رشد بی‌ثباتی در خود انگلستان بود، به ویژه آن که این کشور از جنگ داخلی رنج می‌برد که به تبع آن شرکت هند شرقی نیز با ضعف سازمان اقتصادی و مالی مواجه بود. با این حال، این شرکت از نیمه دوم قرن مزبور در سطح وسیعی از حمایت‌های دولتی برخوردار شد و رشد فزاینده‌ای یافت. (Moir, pp. ۳, ۲۱) از طرف دیگر، بخشی نیز به هلندی‌ها مربوط می‌شد، زیرا آن‌ها در این زمان به سبب تسلط بر جاوه، سوماترا و برخی دیگر از جزایر اندونزی مراکز اصلی تولید ادویه را در دست داشتند، بنابراین می‌توانستند با نوسانات قیمت این کالاها مقابله کنند. هم‌چنین هلندی‌ها بودند که عمده زنجبیل، فلفل و سایر ادویه را برای فروش به ایران می‌آوردند و در عوض با خرید ابریشم، قالی و مروارید این کشور و فروش آن‌ها در بازارهای اروپایی، به سود فراوانی دست می‌یافتند. علاوه بر این، آن‌ها در سواحل خلیج فارس تقریباً تجارت مس و پارچه‌های هندی را در انحصار داشتند. گاه به منظور تداوم این انحصار، کالاها را پایین‌تر از قیمت اصلی آن‌ها به فروش می‌رساندند. از این رو، تا مدت‌ها در میدان رقابت تجاری از انگلیسی‌ها سبقت گرفتند. (الهی، ص ۴۷)

شرکت هند شرقی انگلیس که نمی‌توانست حریف هلندی خود را از سواحل ایران کنار بزند، در سال ۱۶۳۹ بر آن شد که بخشی از فعالیت تجاری را به بندر بصره انتقال دهد، زیرا آن‌جا را برای خنثی کردن اقدامات هلندی‌ها از بنادر ایران مناسب‌تر می‌دانست. با توجه به روابط خصومت‌آمیزی که بین ایران و امپراتوری عثمانی وجود داشت، پادشاه عثمانی در بصره زمینه را برای تجارت انگلیسی‌ها فراهم کرد. با این حال، تا مدتی آن‌جا نیز برای انگلیسی‌ها رضایت‌بخش نبود. آن‌ها دریافتند که به منظور پیشرفت کار باید تجارت‌خانه در بندر بصره احداث کنند. از این رو، در سال ۱۶۵۳ پایگاه تجاری بزرگی در آن‌جا تأسیس کردند. (ویلسن، ص ۱۸۸)

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) ۱۴۹

هنگامی که از سال ۱۶۵۱ اوضاع سیاسی در انگلستان بهبود یافت، رقابت بین شرکت‌های هند شرقی هلند و انگلیس نیز در شرق و خلیج فارس جدی‌تر شد تا جایی که گاه بر ضد یک‌دیگر لشکرکشی می‌کردند. چنان‌که هلندی‌ها در جاسک و بندرعباس به کشتی‌های انگلیسی حمله کردند که با شکست مواجه شدند. سرانجام در سال ۱۶۵۴ هلندی‌ها بر اساس توافق‌نامه‌ای که با رقیب خویش منعقد کردند به سیادت تجاری انگلیسی‌ها در خلیج فارس تن دادند. بدین‌سان تا اواخر سده ۱۷ شرکت انگلیسی در منطقه از همتای هلندیش پیشی گرفت. (الهی، ص ۴۸)

هلندی‌ها و انگلیسی‌ها از طریق رشوه دادن به مقامات ایرانی سعی می‌کردند سهم بیش‌تری از تجارت را به خود اختصاص دهند. این مقامات علاوه بر شاه، وزیر اعظم یا همان اعتمادالدوله، مستوفی‌الممالک و برخی صاحب‌منصبان لشکری را نیز شامل می‌شد. به عنوان مثال هلندی‌ها با عنوان انعام یا هدیه و بیش‌تر به طور جنسی و کالاهایی مانند ادویه و پارچه به دیوانیان می‌دادند تا از آن‌ها در امور بازرگانی امتیاز بگیرند یا دست‌کم در کارهای بازار کم‌تر دخالت کنند. (فلور، اختلاف تجاری ایران و هلند...، ص ۳۱-۳۰) در میدان رقابت گاهی غربی‌ها برای امتیازگیری از ایران به زور نیز متوسل می‌شدند، از قبیل آن‌چه که در سال ۱۶۴۵ رخ داد. در این سال هلندی‌ها برای آن‌که ایران را مجبور سازند تا حق انحصاری تجارت ابریشم را به آن‌ها واگذار کند با ابزارهای قهریه شاه ایران تهدید نمودند و بلافاصله به قلعه جزیره قشم حمله کردند، در پی آن ایران حاضر شد امتیاز تجاری را با شرایط مساعدی به هلندی‌ها بدهد، به طوری که آن‌ها بتوانند در هر نقطه ایران هر قدر ابریشم که خواسته باشند خریداری نمایند و بدون پرداخت حقوق گمرکی آن را به خارج صادر کنند. (ویلسن، ص ۱۸۹)

شباهت انگلیس و هلند در زمینه امور تجاری در خلیج فارس

گرچه انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در ناحیه خلیج فارس رقیب یک‌دیگر شدند به ویژه آن‌که هلندی‌ها با مداخله‌های روزافزون خویش در تجارت منطقه، خاصه اهتمامشان برای به انحصار درآوردن تجارت ابریشم، به صورت خطر بزرگی در برابر سیاست تجاری انگلیسی‌ها ظاهر می‌شدند، به طوری که گاه رقابت‌های این دو به جنگ

دریایی در خلیج فارس منجر می‌شد. (تاج‌بخش، ص ۱۵۲؛ باستانی پاریزی، ص ۱۱۶) با این حال، این دو کشور دارای تشابهاتی بودند، از جمله این که برای هر دو ابریشم ایران مال التجاره‌ای مهم و سودمند محسوب می‌شده است. به نظر می‌رسد از طرفی گسترش تولید ابریشم در ایران عصر صفوی یکی از عوامل توجه اروپاییان به ایران و رقابت‌های تجاری-سیاسی آن‌ها در این سرزمین بوده، از سوی دیگر ایران نیز از ورود غربی‌ها استقبال می‌کرده، چون که این کشور از طریق صادرات ابریشم ثروت هنگفتی را به دست می‌آورده است. (اولناریوس، ص ۵؛ تاج‌بخش، ص ۲۵۴) انگلیسی‌ها که در کار تجارت ابریشم ایران جلوتر از هلندی‌ها اقدام کرده بودند، هنگامی که تلاش هلندی‌ها را به منظور دستیابی به این کالا مشاهده نمودند به آن‌ها برای تجارت ابریشم پیشنهاد تشکیل یک شرکت مشترک کردند، ولی هلندی‌ها که مردمی حساب‌گر بودند آن را نپذیرفتند. (علی بابایی، ص ۸۴۷) در مجموع تبادل تجاری که در سده هفدهم به وسیله شرکت‌های هند شرقی با ایران انجام می‌گرفت به نفع ایرانی‌ها نبود، چون که ابریشم، اسب، مروارید و گلاب شیرازی که برای فروش توسط این شرکت‌ها برده می‌شد با حجم زیادی از کالاهایی مثل منسوجات و ادویه که از نواحی هند شرقی وارد ایران می‌شد قابل مقایسه نبود. (Faroqhi, Suraiya, pp. ۱۶۰-۱۶۱)

حکومت ایران به طور مستقیم در امور تجاری دخالت می‌کرد و در ازای ابریشمی که به دو شرکت انگلیسی و هلندی می‌داد سعی داشت که از آن‌ها علاوه بر گرفتن وجه نقد، به محصولات نواحی جنوب شرقی آسیا، که توسط این دو شرکت حمل می‌شدند نیز دست یابد. انگلیسی‌ها و هلندی‌ها نیز در ناحیه خلیج فارس شکر، ادویه و منسوجات را عمدتاً با گرفتن وجه نقد می‌فروختند. در این میان هرگاه که ایران برآن می‌شد تا برای مصرف وجه نقد مانع ایجاد کند، آن‌ها معاملات خویش را با این کشور درازای دریافت مروارید انجام می‌دادند. باید اشاره شود در بصره، واقع در غرب خلیج فارس، که تحت نفوذ ترکان عثمانی قرار داشت وضع به گونه‌ای دیگر بود. این‌جا دارای تولیداتی نبود که به وسیله آن‌ها ترکان بتوانند با شرکت‌های انگلیسی و هلندی دادوستد کنند، عثمانی‌ها برای فعالیت هر دو شرکت در بصره فقط مالیات وضع می‌کردند. (Berkey, p. ۱۲۲)

بدین ترتیب، در مورد کالاهایی که توسط دو شرکت هلندی و انگلیسی در

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/۱۷ م) ۱۵۱

خلیج فارس تجارت می‌شده، شباهت‌هایی وجود داشته است. فراوانی ابریشم ایران و امید به کسب سود بیش‌تر از مهم‌ترین عواملی بودند که شرکت‌های اروپایی را به تجارت در خلیج فارس ترغیب می‌کرد. هر دو شرکت کالاهایی از جنوب شرقی آسیا هم‌چون فلفل و سایر ادویه به ایران صادر می‌کردند که به دلیل بالابودن سودهایی صادرات ادویه، پس از سال ۱۶۶۴ میلادی ابریشم تا حدودی ارزش تجاری خود را از دست داد. (فلور، تاریخچه...، ص ۶۶). در خلیج فارس ویژگی غالب تجارت آن بود که در طی زمان دچار تغییرات قابل ملاحظه‌ای می‌شد. پس از دوره‌ای که در آن بر صدور ابریشم ایران تأکید می‌شد، تجارت ادویه در اولویت قرار گرفت. گفته شده که در نیمه دوم سده هفدهم به وسیله کشتی‌های هلندی و انگلیسی ادویه زیادی به منطقه خلیج فارس حمل می‌شده تا آن‌ها را به اروپا منتقل کنند، به ویژه آن‌که قهوه بسیاری از جاوه توسط هلندی‌ها به منطقه آورده می‌شد که سبب شده بود تا قهوه که از محصولات عمده سرزمین یمن بود، و به وسیله مسلمانان صادر می‌گردید نیز اهمیت تجاری خود را از دست بدهد. (Beckingham, p. 181)

موقعیت حقوقی انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در خلیج فارس کم‌وبیش مشابه هم بود. آن‌ها در این منطقه از امتیازاتی برخوردار شده بودند که به لحاظ اعتبار تقریباً همانند مزایایی بود که آن‌ها به واسطه کاپیتولاسیون از ترکان عثمانی در نواحی شرق مدیترانه دریافت کرده بودند. در حاشیه غربی خلیج فارس یا در بصره که انگلیسی‌ها و هلندی‌ها به ترتیب در سال‌های ۱۶۳۸ و ۱۶۴۵ نمایان شدند، سخنی از امتیازات کاپیتولاسیون در میان نبود. این‌جا عملاً در دست اشراف نظامی عرب بود که تقریباً بدون توجه به حاکمیت ترکان عثمانی به طور مستقل عمل می‌کردند. پس از آن که در نیمه نخست سده هیجدهم میلادی دولت‌های انگلیس و هلند در استانبول سفارت‌خانه دایر کردند، در امور این ناحیه به جای شرکت‌های تجاری بیش‌تر سفیران این دو دولت دست به مداخله می‌زدند. با این حال حکومت‌گران ایرانی سده هفدهم، حضور اروپاییان در خلیج فارس را به منزله وجود مزدورانی تلقی می‌کردند که در ازای برخورداری از امتیازات تجاری در این منطقه، تعهد داشتند که در آب‌های آن‌جا امنیت برقرار کنند و دریا را از دشمنان و دزدان دریایی پاک نمایند. (Berkey, pp. 119-120, 126-127)

در ایران و حوزه خلیج فارس هلندی‌ها و انگلیسی‌ها اغلب اوقات به نوعی در

معرض باج‌گیری بودند. قدرت‌های محلی از آن‌ها می‌خواستند که اجاره بپردازند، گاهی نیز تقاضای کمک‌های نظامی می‌کردند. این تا حدودی از آن‌جا ناشی می‌شد که حاکمان محلی ایران می‌توانستند با هریک از شرکت‌های هلندی یا انگلیسی به طور جداگانه وارد معامله شوند. ممکن بود زمانی هر کدام از این دو طوری خود را نمایان سازند که ایرانی‌ها ترجیح دهند با آن شرکت به معامله بپردازند. گاه نیز مداخله‌های نظامی انگلیسی‌ها یا هلندی‌ها به طرفداری از قدرت‌های محلی ناحیه خلیج فارس سبب می‌شد که منافع شرکت‌های اروپایی به خطر افتد، با این حال بیش‌تر اوقات مأموران عالی‌رتبه شرکت‌های هندشرقی هلند و انگلیس که در منطقه حضور داشتند، با پرداخت رشوه به این قدرت‌ها خطر مزبور را دفع می‌کردند. (Ibid, pp. ۱۲۸-۱۲۹)

گاهی ممکن بود که حکومت مرکزی ایران نیز این دو شرکت را به انجام دادوستد خاصی وادار کند، چنان‌که در سال ۱۶۵۴ رؤسای شرکت هندشرقی هلند را مجبور کرد تا محموله‌های کشتی‌های خود را در انبارهای متعلق به شاه ایران تخلیه کنند و در عوض از اجناس ایرانی مثل قالی، پارچه‌های ابریشمی، پشم و ابریشم بارگیری نمایند. (نوابی، ص ۱۴۴)

تفاوت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس

تا آن‌جا که به فعالیت‌های تجاری انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در خلیج فارس مربوط می‌شود، بین آن‌ها اختلافات قابل توجهی وجود داشته است. در این ناحیه انگلیسی‌ها از همان آغاز طرفدار فعالیت‌های بازرگانی آزاد بودند، یعنی علاوه بر شرکت هندشرقی، افراد انگلیسی نیز می‌توانستند به طور مستقل به دادوستد بپردازند. (Berkey, p. ۱۲۱)

حال آن‌که، امور بازرگانی هلند در خلیج فارس در انحصار شرکت هند شرقی این کشور بود، در واقع خطمشی تجاری هلندی‌ها در این منطقه به وسیله این شرکت تعیین می‌شد. (امین، ص ۵۷) بین بازرگانی در خلیج فارس و تجارت درلوانت (شرق مدیترانه) نوعی موازنه و تعادل برقرار بود. زمانی برخی محصولات از طریق خلیج فارس جابه‌جا می‌شدند، گاهی نیز این‌گونه فعالیت‌ها از راه مدیترانه انجام می‌گرفت. در مورد انگلیسی‌ها باید گفت گاه در خلیج فارس راجع به تجارت بین تاجران آزاد و بازرگانان شرکت هند شرقی منازعاتی به وقوع می‌پیوست. ولی از آن‌جا که عملیات اقتصادی

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) ۱۵۳

هلندی‌ها در این ناحیه به طور کامل در انحصار شرکت هند شرقی بود، کشمکش و درگیری آشکار بین آن‌ها کم‌تر رخ می‌داد. (همو، ص ۲۴-۲۳؛ p. ۱۱۹، Berkey)

با توجه به رقابت‌های شدیدی که بین این دو شرکت اروپایی در منطقه خلیج فارس وجود داشت، هر کدام از کلیه امکانات موجود علیه دیگری استفاده می‌کرد. هریک به منظور پیشی گرفتن بر رقیب، گاه برای کالای ایرانی بهای بیش‌تری پرداخت می‌کردند و یا کالاهای اروپایی را در بازار ایران با حداقل قیمت بفروش می‌رساندند، یا به مقامات ایرانی رشوه می‌دادند و حتی برای کسب امتیازات بیش‌تر از شاه ایران از به کارگیری نیروی نظامی فروگذار نمی‌کردند. به عنوان مثال، هلندی‌ها در سال ۱۶۴۵ به جزیره کیش حمله کردند تا ایرانی‌ها را در برابر خواسته‌های خود وادار به تسلیم کنند. (امین، ص ۱۹) هم‌چنین در جریان این رقابت‌ها انگلیسی‌ها برای آن‌که در ناحیه خلیج فارس ترس ایجاد کنند گرایش به آن داشتند تا قدرت هلندی‌ها را بیش از اندازه واقعی‌اش جلوه دهند، از طرف دیگر هلندی‌ها مایل بودند تا قدرت انگلیسی‌ها از حدود واقعی آن کم‌تر نشان دهند. شاید این عمدتاً به خاطر آن بوده که با توجه به تشکیلات گسترده‌ای که هلندی‌ها در منطقه ایجاد کرده بودند، شرکت هند شرقی انگلیس در این زمینه کم‌تر سرمایه‌گذاری کرده بود. (Berkey, p. ۱۲۸)

هلندی‌ها برای انتقال کالاهای خود تمایل داشتند که علاوه بر دریای مدیترانه در خلیج فارس نیز از کشتی‌های بزرگ استفاده کنند، چیزی که باعث می‌شد تا رفت و آمد این کشتی‌ها به بنادر بزرگ محدود شود. این به دستورالعمل عمومی دولت هلند مربوط می‌شد که به خاطر تهدید و خطر حمله دزدان دریایی ورود کشتی‌های کوچک را به مدیترانه منع کرده بود. اما در خلیج فارس هلندی‌ها استدلال دیگری داشتند، این‌گونه مطرح می‌شد که کشتی‌ها باید بزرگ و جادار باشند تا توسط آن‌ها محموله‌هایی هم‌چون شکر، منسوجات و ادویه از نواحی شرقی‌تر به خلیج فارس حمل شوند بدون آن‌که به وسیله آب به آن‌ها آسیب جدی وارد شود. (Beckingham, p. ۱۷۰)

شاید به همین دلیل گرچه تجارت هلندی‌ها اطمینان بخش‌تر بوده، اما با توجه به بزرگی کشتی‌ها با هر شرایطی قابلیت انعطاف نداشته، از جمله به ندرت با موارد تجاری کوچک‌تر قابل تطبیق بوده، و این امکان برای آن‌ها وجود نداشته که در همه سواحل و بنادر کوچک‌تر رفت‌وآمد کنند. در حالی که تجارت انگلیسی‌ها

قابل انعطاف بود، چون که آن‌ها از کشتی‌های تجاری کوچک استفاده می‌کردند و بدین‌سان می‌توانستند در همه‌جای خلیج‌فارس حضور داشته باشند. (Berkey, p. ۱۲۸)

گرچه شرکت هند شرقی هلند هم به لحاظ افراد و هم کشتی‌ها در آب‌های آسیا از رقیب انگلیسی خویش قوی‌تر بود، اما از این‌که اغلب اوقات مورد بی‌مهری قدرت‌های آسیایی قرار داشتند ابراز ناخشنودی می‌کردند. مثلاً هلندی‌ها در سواحل گجرات هند خود را تحت فشار بابریان هند می‌دیدند، ولی شرکت هند شرقی انگلیس مورد توجه بابریان بود و به نوعی در امور این اقتصادی این دولت موفق به کسب موقعیت شده بود. زیرا بابریان برقراری امنیت از راه آبی هند تا خلیج‌فارس را برای زائران هندی که عازم مکه و اماکن زیارتی عراق می‌شدند به این شرکت واگذار کرده بودند. بدین‌سان انگلیسی‌ها به واسطه ایفای نقش پلیس دریایی هم درآمد قابل توجهی به دست می‌آوردند و هم این‌که بر مسیر دریایی اقیانوس هند، خلیج‌فارس و دریای سرخ به طور مؤثری نظارت داشتند. (Hunter, vol. II, pp. ۵۷-۵۸)

باید توجه داشت به رغم آن‌که تا پایان سده هفدهم انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در خلیج‌فارس منافع قابل توجهی داشتند، اما به سبب رقابت بین آن‌ها و نیز به علت توانایی قدرت‌های محلی هیچ‌کدام از آن‌ها در این زمان نتوانستند از آن توفیقی که پرتغالی‌ها در قرن شانزدهم در منطقه داشتند برخوردار گردند. (امین، ص ۲۸-۲۷)

تفاوت بین نظام‌های تجاری انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در خلیج‌فارس در نقشه‌کشی دریانوردی آن‌ها نیز بازتاب داشته است. شرکت هند شرقی هلند در مرحله نخست استقرار در منطقه برآن شد تا با استفاده از نقشه‌های پرتغالی‌ها در مورد خلیج‌فارس به جست‌جو در سواحل آن بپردازد. این نقشه‌ها به واسطه اطلاعات بیش‌تری که هلندی‌ها از مسیرهای آبی این ناحیه به دست آوردند، توسط آن‌ها اصلاح شدند. در آن زمان انگلیسی‌ها از نقشه‌های نسبتاً قدیمی‌تر استفاده می‌کردند، سپس برای هدایت کشتی‌ها خواهان نقشه‌های چاپ شده بودند. حال آن‌که نقشه‌هایی که تا مدت‌ها مورد استفاده هلندی‌ها بود، به صورت دست نوشته بودند که به وسیله شرکت هند شرقی هلند تهیه می‌شدند. گفته شده نخستین نقشه چاپ شده خلیج‌فارس نیز توسط شخصی هلندی به نام جان تورنتون (John Thornton) انتشار یافت. پس از آن همه نقشه‌های دریانوردی در خلیج‌فارس بر اساس آنچه که

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) ۱۵۵

شرکت هندشرقی هلند تدارک دیده بود، تهیه می‌شدند تا آن که در نیمه دوم سده هیجدهم میلادی انگلیسی‌ها از طریق مشاهدات دقیق‌تری که انجام دادند مبادرت به تکمیل این نقشه‌ها کردند. (Berkey, pp. ۱۲۵-۱۲۶)

مفهوم جغرافیای سیاسی خلیج فارس نیز برای انگلیسی‌ها و هلندی‌ها یکسان نبوده، آن‌ها در این زمینه با هم اختلاف داشتند. هلندی‌ها به اندازه انگلیسی‌ها به خلیج فارس علاقه نشان نمی‌دادند، چون که در آسیا پایگاه محکم و مرکزی به نام باتاویا (جاکارتا) داشتند که دستورالعمل‌های مهم را از آن‌جا دریافت می‌کردند، به هنگام ضرورت نیز قوای کمکی از همان‌جا به یاری هلندی‌ها در خلیج فارس می‌آمد. در مورد انگلیسی‌ها چنین نبود، برای آن‌ها خلیج فارس حلقه ارتباط با اروپا به شمار می‌رفت. زیرا بمبئی یا سورات برایشان دارای چنان مرکزیتی نبودند که به منظور بررسی موضوعات مهم به آن‌جاها بروند و بیش‌تر ارتباطاتشان به لندن وابسته بود. همین تفاوت در بصره و حاشیه غربی خلیج فارس، جایی که تحت سلطه ترکان عثمانی بود، نیز به چشم می‌خورد. در آن‌جا انگلیسی‌ها تقریباً به هر قیمتی می‌خواستند که حضور خودشان را حفظ نمایند، در حالی که هلندی‌ها در اواخر سده هفدهم خواهان آن بودند که از سودآوری محدود خویش در بصره صرف‌نظر کنند. (Ibid, p. ۱۲۷)

به طور کلی، خلیج فارس توسط انگلیسی‌ها با اهمیت‌تر تلقی می‌شد تا به وسیله هلندی‌ها. در ابتدا سود عمده شرکت هندشرقی انگلیس تا اندازه زیادی به تجارت خلیج فارس وابسته بود، ولی پس از چندی ملاحظات جغرافیای سیاسی خلیج فارس برای انگلیسی‌ها اهمیت یافت. به ویژه آن‌که در اوایل سده هیجدهم میلادی به سبب ضعف حکومت مرکزی ایران و تاخت‌وتازهای قبایل افغان که پیامد آن تشدید بی‌ثباتی در منطقه بود، برای آن‌ها به لحاظ سیاسی خلیج فارس از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شد به طوری که هم‌اهتمام می‌ورزیدند تا حضورشان را در منطقه حفظ کنند و هم‌این‌که آن را توسعه دهند. در این میان موقعیت هلندی‌ها در خلیج فارس رو به ضعف نهاد، به گفته سانسون در این ایام هلندی‌ها از تجارت با ایران دچار زیان می‌شدند، و کم‌تر راضی می‌شدند که مال‌التجاره خود را به ایران بیاورند. (سانسون، ص ۱۸۸) فلور نیز تصریح می‌کند که تجارت سودآور شرکت هند شرقی هلند با ایران از حدود سال ۱۷۲۰ و هم‌زمان با گسترش ناآرامی‌ها در

این سرزمین به سبب حملات طوایف افغان، به شدت کاهش پیدا کرد و دیگر رونق نیافت. (فلور، تاریخچه...، ص ۶۶) بلگریو می‌گوید: در اواخر سده ۱۷ چون هلندی‌ها در خلیج فارس غرور و تکبر بی‌حدی را ابراز می‌کردند، شهرت و اعتبار خود را در آن‌جا از دست دادند و دچار ضعف شدند. (بلگریو، ص ۵۲) هلند در عرصه بین‌المللی نیز از سال‌های پایانی سده هفدهم به تدریج قدرت و اعتبار خویش را از دست داد که این هم در کاهش دامنه نفوذ شرکت‌های هلندی در شرق و غرب جهان بی‌تأثیر نبوده، چنان‌که قبل از پایان این سده مستعمرات شرکت هند غربی هلند در برزیل را پرتغالی‌ها تصاحب کردند و برخی هم به تصرف انگلیسی‌ها درآمدند. (بارنو، ص ۹۷-۹۶) در این زمان که موقعیت هلندی‌ها در خلیج فارس تضعیف شده بود، آن‌ها بیش‌تر در اندونزی و به ویژه جاوه تمرکز کردند تا جایی که توانستند بر مردم این جزیره بزرگ حاکمیت خویش را تحمیل کنند. (ریکلفس، ص ۱۳۷)

انگلیسی‌ها در مقایسه با هلندی‌ها توانستند موقعیت خود را در خلیج فارس حفظ کنند چون که نسبت به سایر اروپاییان در منطقه، رابطه انعطاف‌پذیرتری با قدرت‌های محلی داشتند. این مورد در طول زمان متضمن بیش‌ترین فایده برای انگلیسی‌ها بود. باید تأکید شود که شرکت هند شرقی انگلیس در اوایل در صدد آن بود تا تلاش خود را در هند و خلیج فارس عمدتاً وقف تجارت کند و از تعهدات سیاسی دور بماند، ولی به زودی این شرکت متوجه شد که بعضی تعهدات سیاسی برای تسهیل امور تجاری ضروری است. به دنبال آن انجام مذاکرات، انعقاد پیمان‌های سیاسی و کسب امتیازات بخش مهمی از وظایف انگلیسی‌ها را در منطقه تشکیل می‌داد. گرچه گاه برخی از این امتیازات لغو می‌شدند، ولی همین‌ها نیز برای ادعاهای آینده آن‌ها سودمند بودند. (امین، ص ۴۲-۴۱)

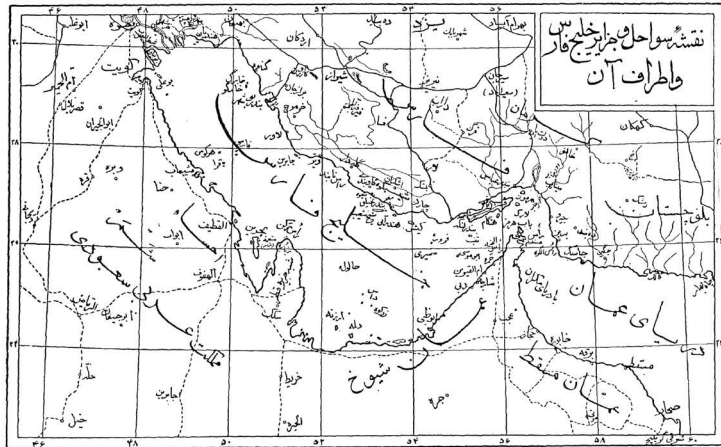
با همه اختلافاتی که بین شرکت‌های هند شرقی انگلیس و هلند وجود داشت، این دو در سال ۱۶۸۸ با هم متحد شدند تا بتوانند از توسعه نفوذ فرانسه در خلیج فارس جلوگیری کنند. در اواخر سده هفدهم همه چیز در منطقه به نفع انگلیسی‌ها بود. از جمله در سال ۱۶۹۹ شاه سلطان حسین، حاکم صفوی، بدون توجه به تقاضاهای شرکت هلندی بیش‌تر به حمایت از انگلیسی‌ها می‌پرداخت. در این ایام در مقابل اقتدار اعراب مسقط، هلندی‌ها عقب‌نشینی کردند. قدرت این اعراب چنان افزایش یافته

بود که بیم آن می‌رفت آن‌ها از طریق حملات گسترده به کشتی‌رانی خلیج فارس، این منطقه را برای تجارت ناامن سازند. از این‌رو، در سال ۱۷۰۸ شرکت‌های مختلف تجاری انگلیس باهم متحد شدند تا بتوانند در برابر تهدیدات راه‌زنان دریایی از نفوذ خویش در خلیج فارس دفاع کنند. در این زمان دزدی دریایی محدود به اعراب مسقط نبود، اروپاییان نیز گروه‌های منظمی برای راهزنی دریایی تشکیل داده بودند. (ویلسن، ص ۲۲۶-۱۹۵) که بحث درباره آن مجال دیگری می‌طلبد.

نتیجه

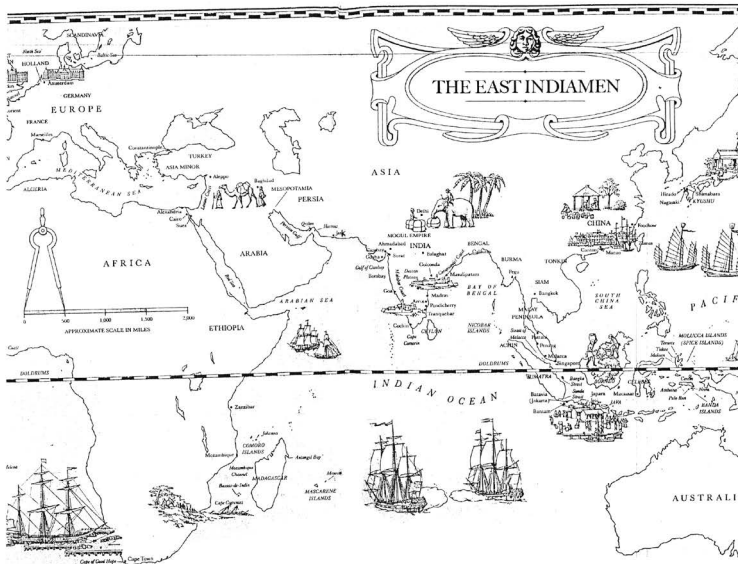
با توجه به آن‌چه گذشت می‌توان گفت گرچه در طول سده هفدهم میلادی انگلیسی‌ها و هلندی‌ها به سبب رقابتی که با هم داشتند، هرگز نتوانستند آن تسلطی را که پرتغالی‌ها در قرن شانزدهم در منطقه خلیج فارس داشتند به دست آورند. با این حال، مدت بیش‌تری از قرن هفدهم هلندی‌ها در زمینه امور مالی و تجاری این ناحیه از انگلیسی‌ها فعال‌تر نمایان شدند و عمدتاً ابتکار عمل را در دست داشتند. انگلیسی‌ها همواره در صدد آن بودند تا هم به واسطه آزادی عملی که به بازرگانان خویش می‌دادند و هم از طریق بهره‌وری بیش‌تر از تولیدات خود، با تفوق هلندی‌ها مقابله کنند که سرانجام در اواخر این سده بر آن‌ها پیشی گرفتند.

انگلیسی‌ها از هنگام ورود به خلیج فارس حامی فعالیت‌های تجاری آزاد اتباع خود شدند. بدین‌معنا که علاوه بر شرکت هند شرقی انگلیس، بازرگانان این کشور نیز خارج از مقررات این شرکت می‌توانستند در ناحیه خلیج فارس به دادوستد بپردازند. حال آن‌که امور بازرگانی هلندی‌ها در این منطقه در انحصار شرکت هند شرقی هلند بود و به تجار هلندی اجازه داده نمی‌شد که به طور مستقل در خلیج فارس مشغول فعالیت‌های تجاری شوند، آن‌ها ملزم بودند که تحت نظارت و چارچوب این شرکت کار کنند. هم‌چنین آغاز ورود انگلیسی‌ها به حوزه خلیج فارس غالباً از طریق اقدامات دیپلماتیک آنان بود، آن‌ها به منظور تداوم حضورشان در این ناحیه برای این‌گونه اقدامات نیز اهمیت خاصی قائل بودند. اما هلندی‌ها به امور دیپلماتیک کم‌تر توجه داشتند که شاید همین امر دارای بیش‌ترین تأثیر بوده تا آن‌ها به تدریج از عرصه رقابت در خلیج فارس، به عقب رانده شوند و دامنه نفوذ انگلیسی‌ها در منطقه گسترش یابد.



نقشه سواحل و جزایر خلیج فارس و بیرامون آن

بر گرفته از کتاب جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک نوشته ایرج افشار، ص ۲۲



بر گرفته از کتاب: The Seafarers: The East Indian by miller, p. 1

کتاب‌نامه

- اسدی، بیژن، (۱۳۸۷). «موقعیت ویژه اقتصادی - تجاری جزیره کیش در تاریخ»، *مجموعه مقالات خلیج فارس فرهنگ و تمدن*، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افشارسیستانی، ایرج، (۱۳۷۴). *جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- الهی، همایون، (۱۳۶۸). *خلیج فارس و مسایل آن*، تهران، شرکت آموزشی و فرهنگی اندیشه.
- امین، عبدالامیر، (۱۳۷۰). *منافع بریتانیا در خلیج فارس*، ترجمه علی رجیبی یزدی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۷۳). *سفرنامه اولثاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران، انتشارات ابتکار.
- بارنو، آدریان یاکوب، (۱۳۴۷). *سرزمین و مردم هلند*، ترجمه ربیع مشفق همدانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۶۲). *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران، انتشارات صفی علیشاه.
- بلگریو، سرچارلز، (۱۳۶۹). *سفرنامه دریایی لایخ*، ترجمه حسین ذوالقدر، تهران، انتشارات آنهیتا.
- تاجبخش، احمد، (۱۳۴۹). *ایران در زمان صفویه*، تهران، کتابفروشی چهره.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، چاپخانه پروین.
- دن گارسیا، دسیلوا فیگوئروا، (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسیا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- دورانت، ویل و آریل، (۱۳۶۹). *تاریخ تمدن (عصر اصلاح دین)*، ترجمه فریدون بدره‌ای و دیگران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ریکلفس، ام. سی، (۱۳۷۰). *تاریخ جدید اندونزی*، ترجمه عبدالعظیم هاشمی نیک، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه.

سانسون، مارتین، (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون*، ترجمه تقی تفضلی، تهران، بی‌نا.
سیوری، راجر، (۱۳۷۴). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
شوستر - والسر، سیبیل، (۱۳۶۴). *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*،
ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۷۵). *تاریخ سیاست خارجی ایران*، تهران، انتشارات
درسا.

فلسفی، نصرالله، (۱۳۶۹). *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، انتشارات علمی.
فلور، ویلم، (۱۳۸۱). «تاریخچه فعالیت‌های تجاری کمپانی هند شرقی هلند در جزیره
خارک» ترجمه شقایق مسعودی، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال چهارم، شماره
۱۳، زمستان.

-----، (۱۳۷۱). *اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر
اقتضاریان و زندیان ۱۷۱۵-۱۷۱۲*، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران.
قائم مقامی، جهانگیر، (۱۳۶۹). «مسأله هرمز در روابط ایران و پرتغال»، *مجموعه
مقالات خلیج فارس*، مرکز مطالعات خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و
بین‌المللی.

گاردنر، برایان، (۱۳۸۳). *کمپانی هند شرقی*، ترجمه کامل حلمی و منوچهر هدایتی
خوشکلام، تهران، انتشارات پژوهش.
مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، (۱۳۶۹). *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران، انتشارات
امیرکبیر.

نوابی، عبدالحسین، (۱۳۷۷). *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*،
تهران، انتشارات سمت.

وبر، ماکس، (۱۳۷۱). *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالمعبود
انصاری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
ویلسن، سرآرنولد، (۱۳۴۸). *خلیج فارس*، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه
و نشر کتاب.

Beckingham, C.F. *Between Islam and Christendom*. London, 1973.

Berkey, Jonathan Porter. *Formation of Islam: religion and society in*

رقابت شرکت‌های تجاری هلند و انگلیس در خلیج فارس (سده ۱۱ ق/۱۷ م) ۱۶۱

the Near East. Cambridge University, 2003.

Encyclopaedia Britannica.London.1972.

Faroqhi.Suraiya.Pilgrims and Sultans:the Hajj under the
Ottomans.New York.1996.

Hunter, sir William Wilson, A history of British India, London.1899.

Miller.Russell.the Seafarers:the East Indiamen, Amsterdam.1980.

Moir.Martin, A general guide to the India Office Records,
London.1988.